

بنده هم پیشنهادی می کنم که همانطوریکه آقای معاضدالملک پیشنهاد نمودند طوایف هم جزو شود

**رئیس** - وقتیکه بنده اجازه نطق می دهم اعتراض می کنند که چرا اجازه دادید بجهت اینکه نظامنامه اجازه نمیدهد وقتیکه عده کافی نیست اجازه داده شود مذاکره ماده رابع تمام نمی کنیم ویراوقت نیست بقیه این مذاکره می ماند برای جلسه آتی دستور جلسه آتی هم - قانون دیوان محاسبات - عمومی - رایورت کمیسیون عدلیه راجع به قبول و نکول بررات .

**معززالملک** - کلیه چنانکه چندین مرتبه در این جا گفته شده است که ما باید يك سیستمی را اتخاذ کنیم برای دستور امروز مثلاً این رایجه را جزء دستور کردیم و دیوان محاسبات وقتیکه این را آوردیم یک قدری شور کردیم می گذاریم و آنوقت يك قدری هم از آن یکی مذاکره می کنیم این هیچ صحیح نیست و کاری هم از پیش نمی رود بعقیده بنده این رایجه را تا از شور اول او فارغ نشویم و دیوان محاسبات را تمام نکنیم نمی توانیم برویم سرچیز دیگر خوب است اگر رئیس تصویب فرمایند و مجلس شورای ملی هم تصویب فرماید همین دو مسئله را در دستور بگذارند و این دو مطلب کاملاً وقت مجلس را کفایت میکند و محتاج به مذاکره دیگر نخواهیم بود.

**مقیم السلطنه** - نظر آقای معززالملک بسیار صحیح است و يك نکته هم هست که آقایان زود فراموش میکنند مطلبی که در دستور گذاشته میشود نه برای این است که دستور سابقه از میان می رود چیزیکه تازه در دستور گذاشته میشود معنی آن این است که آن در دستور خواهد بود تا وقتی که تمام شود آنوقت سایرچیزها در دستور گذاشته میشود و آقای معززالملک تقاضا کرد دو چیز را جزء دستور بگذارند بنده هم این تقاضا را میکنم که اول این دو مطلب جزء دستور باشد تا نگذرد مطلبی دیگر مذاکره نشود .

**رئیس** - این چیزی را که در خصوص دستور فرمودند بنده هم تصدیق می کنم که يك ترتیب صحیحی نیست و حالا مشغولیم در هیئت رئیسه که تمام لوابیح و طرحهایی که در هیئت رئیسه است آنها را طبع و توزیع بکنیم و بعد يك ترتیب دستوری قرار خواهیم داد که از يك هفته پیش آقایان و کلاه بدانند که دستور این هفته چه میشود وقتیکه این اسبابش فراهم شد بمرض آقایان میرسانم .

**افتخار الواعظین** - بنده بجهتیکه نمیخواهم مفصلاً عرض کنم و خاطر اغلب نمایندگان مسبوق است بنده از طرف کمیسیون داخله تقاضا میکنم که آن چهار ماده که در منع احتکار از کمیسیون گذشته است و طبع و توزیع هم شده است و خود رئیس هم شاید تصدیق بکنند که گذشتن آن خیلی مفید خواهد بود این است که بنده تقاضا میکنم که آن چند ماده جزء دستور گذاشته شود آن قانون برای امروزه مملکت خیلی مفید خواهد بود .

**آقا شیخ علی شیرازی** - انتخاب يك نفر یا

دو نفر از برای بردن لوحه برای نجف اشرف جزء دستور بود حالا نمیدانم هست یا نیست .

**رئیس** - بلی امروز هم جزء دستور بود و هست .

**کاشف** - بنده تقاضا میکنم از مجلس مقدس که يك هیئتی را انتخاب کنند یا کتباً يك چیزی نوشته شود بوالاحضرت آقای نایب السلطنه در خصوص تکمیل عده وزراء چون مدتی است بعضی سئوالات و استیضاحات شده است علاوه بر این بعضی مکاتبات که از خارج میرسد ما باید لابد با وزراء طرف باشیم وزیر داخله نداریم وزیر مالیه نداریم سایر وزراء هم شاید بوظیفه خودشان عمل نمیکند غیر از آقای وزیر جنگ که همه روزه حاضر هستند از این جهت استدعا میکنم که از طرف مجلس اقدامی شود در این باب .

**رئیس** - خواهش میکنم هر و کبلی که می خواهد خارج از موضوع صحبت نماید از هیئت یار رئیس کتباً اجازه بخواهند مذاکره در باب دستور بود .

**کاشف** - رأی دادند که صحبت خارج از موضوع در آخر بشود .

**رئیس** - اما نظامنامه را بنده نمیتوانم بيك رأی بهم نزنم .

**معاضدالملک** - اعتراضاتیکه بدستور شد تقریباً همان فرمایشاتی بود که آقای رئیس دستور قرار دادند رایورت کمیسیون نظام و قانون دیوان محاسبات تقاضا شد جزء اون دستور گذاشته شود و در جلسه گذشته اگر نظر آقایان باشد بنده تقاضا کردم که آن ماده که از قانون محاسبات عمومی مدتی است به کمیسیون تفسیر بر رفته است جزء دستور شود و مجلس باید رأی گرفته شود که قانون محاسبات عمومی بگذرد و فقط همین یک ماده اضافه شده است .

**رئیس** - پس آقا کتباً تقاضا فرمائید که تا ترتیب داده شود .

**فهم الملک** - بنده هم تأیید می کنم فرمایش آقای معاضدالملک را و مطابق آن شرحی که بیان فرمودند عرض میکنم قانون محاسبات عمومی مقدم است بر سایر مطالب و اگر آن یک ماده بگذرد آن قانون بکلی ختم میشود و يك قانونی از مجلس می گذرد .

**رئیس** - ده دقیقه تنفس است - بعد جلسه خصوصی میشود .

(مجلس نیم ساعت از شب گذشته خصوصی گردید.)

**جلسه ۲۱۰**

**صورت مشروح مذاکرات روز**

**سه شنبه ۱۴ شهر صفر المظفر ۱۳۲۹**

مجلس بدو خصوصاً و یکساعت قبل از غروب آفتاب بریاست آقای ممتازالدوله علاناشکیل شد .

صورت مجلس روز شنبه را آقای معاضدالملک قرائت نمود .

غائبین جلسه قبل - آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا بی اجازه - حاج شیخ رئیس - معتمدالتجار دکتر اسمعیل خان - سیه دار اعظم - سردار اسعد در موقع مقرر حاضر نشده اند . لسان الحکماء مریض بودند .

**رئیس** - ملاحظه در صورت مجلس هست؟

**ادیبالتجار** - همین تقاضایی که آقای افتخار الواعظین در باب رایورت قانون منع احتکار کردند که در دستور گذاشته شود در صورتیکه مخالفی نداشت چرا نباید جزء دستور گذاشته باشند .

**رئیس** - جزء دستور گذاشته شده است ولی جزء دستور امروز نیست .

**حاج شیخ الرئیس** - در جلسه سابقه بملاحظه دعوتیکه از طرف مدرسه سن لوئی شده بود منحصراً برای آنکه بدانم تحصیلات محصلین عربی آنجا چطور است و چطور ترقی کرده اند برای پاره مناسبات لازم دانستم بروم و برای اینکه وقت مجلس تأخیر نشود مخصوصاً اخطار کردم بتوسط اداره محترم مباشرت بهیئت محترم رئیسه معذک گمان نمیکند در غیر وقت شرفیاب شده باشم [چون دیگر مذاکراتی نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود]

**رئیس** - این تلگرافی است که از جناب آقا شیخ هادی رسیده است بمرض و کلاهی محترم میرسد (بمضمون ذیل قرائت شد) - تلگراف از مشهد بطهران .

توسط نمایندگان خراسان مجلس مقدس تلگراف آقای آقا شیخ هادی را رسانده جوابی که رسیده عیناً درج می شود - توسط انجمن ایالتی سیدالله اساسه مقام منیع مجلس مقدس شورای ملی سیدالله ارکانه تلگراف مبارک که مبنی بر انتحاب داعی است - عضویت مجلس مقدس بوده زیارت نموده تشکرات صمیمانه خود را از حسن ظن و کلاه ملت باین بنده بی بضاعت با کمال افتخار تقدیم می نماید و جواباً معروض میدارد عجلاله بملاحظه سردی هوا ضعف چشم که مخصوصاً در این زمستانی عارض شده با کمال تأسف خود را از مسارعت به نیل این سعادت معذور می بیند و امیدوار است که بعد از نوروز با مساعدت مشیت ربانی جلت آلاءه و اخاماد هیجانی که اهالی را از حرکت داعی حاصل است حسن ظن و کلاء عظام را بحسن استقبال تلقی نموده انشاءالله تعالی مجهود خود را در اداء حقوق گرانبهای ملت و اسلامیت که همواره منظور نظر داشته و باندازه اقتضای وقت و مکان در اینجا نیز تجافی نداشته در آن مقام مقدس بشرکت و استظهار و مساعدت و کلاه عظام مبدول دارد محمد هادی ۲۹۹۵ انجمن ایالتی خراسان ذیج الله

**رئیس** - قبل از آنکه داخل در دستور جلسه بشویم چند فقره سئوالی بود که از وزرای محترم شده است خوب است آن سئوالات را و کلاه بکنند بعد داخل دستور شویم که وزراء معطل نمانند - آقای ادیبالتجار سئوالی در باب نان داشتید فرمائید .

**ادیبالتجار** - مسئله نان که یکی از وظایف مختصه قوه مجریه است و بهیچ وجه ربطی بقوه مقننه و مجلس ندارد سال گذشته از بابت بی احتیاطی اولیای امور آنوقت یعنی اولیای امور اجرائیه آن وقت دچار زحمات و مشکلات شدیم لذا مجلس شورای ملی علاوه بر آنکه این را از وظایف قوه مجریه می دانست مهتدا محض تا کبدر در آسودگی

مردم در خصوص نمان چه مستقیماً و کلاً شخصاً و احداً بعد واحد بوزراء عرض کردند که تهیه نمان و گندم بقدر دارالخلافه بکنند و چه از طرف مجلس تا کیدات دیده شده و این اوقات مریب با این تشدیدات و تا کیدات و اختارات متعدده باز عمل نمان از قراریکه در روزنامه ها می نویسند و خودمان هم می بینیم و می شنویم اسباب نگرانی نمایندگان محترم شده است و مجلس شورای ملی چون آسودگی مردم را از بابت نمان خیلی با اهمیت می بیند بنده سؤال می کنم از وزرای محترم در باب آسودگی مردم از حیث نمان بطوریکه مطمئن باشند که این اطمینان را می دهید و بجهان اندازه اطمینان می دهید که خاطر محترم نمایندگان از این جهت آسوده باشد این را بفرمائید که مطلع باشیم

**وزیر پست و تلگراف - سئوال**

آقای ادیب التجار داخل بولتیک ژنرال نیست که راجع به پست و وزراء باشد مسئله ایست مختص بوزارت داخله حالاکه مدتی است استعفا کرده اند معاون او هم هنوز معرفی نشده است که بیاید این جا و جواب بدهد از این جهت که هیئت از مجلس انتخاب شده که در این کار کمک و معاونت بکنند و هیئت وزراء هم قرار گذاشته اند که فردا در این خصوص مذاکره بکنند و ترتیبی در این باب بدهند روز پنجشنبه قراریکه می گذارند که بچه ترتیب باید آذوقه شهر را تهیه کرد انشالله اسباب نگران مجلس مقدس نباشد بمرض مجلس خواهد رسید

**ادیب التجار - سئوال**

چون آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند که یک هیئتی از مجلس منتخب کرده اند این را عرض می کنم آن هیئت از مجلس هیچ مداخله با امران نمیکنند عرض کردم که این از وظایف مختصه قوه مجریه است هیچ ربطی بکلیس شورای ملی ندارد هیئت تقیث از برای این بود که تقیث کنند و معایب امر نمان را بفرمایند و مجلس عرض کنند و آن رشوه ها و بی اعتمادی ها بیکه می شود ابتدا ربطی با این هیئت ندارد

**رئیس - سئوال**

سئوال چیز دیگر و استیضاح چیز دیگری است این از موضوع سئوال خارج است سئوالی آقای علیزاده دارند از وزیر جنگ در باب رئیس قشون آذربایجان بفرمائید

**علیزاده - سئوال**

بنده در خصوص اردوی سیار و رئیس قشون آذربایجان سؤال دارم

**رئیس - سئوال**

آن يك مسئله اولی با آقای وزیر جنگ ابلاغ شده است در مسئله دوم هم اگر میفرمائید سؤال کنید

**علیزاده - سئوال**

در خصوص اردوی سیار آذربایجان و رئیس قشون آنجا چه اقدامی کرده اند بفرمائید

**وزیر جنگ - سئوال**

رئیس قشون آذربایجان بصورت شورای نظامی شاهزاده امان الله میرزامین شد و ده نفر هم اجزاء و بنده هم دونفر اضافه کردم که ۱۲ نفر باشند رای ریاست توپخانه و ریاست پیاده نظام و معلوم هم که لازم بودند بلکه از برای بعضی نقاط مثل ارومی و خوی و سلماس هم صاحب منصب توپخانه معین شده است که اینها بک کمیونی بشوند از آنجا بروند فقط منتظر تعیین وزیر مالیه هستیم که بآن وسیله آنها را بفرستیم و نسبت باردوی سیار آذربایجان بنده هیچ سابقه نداشتم که حالا جواب عرض کنم و معهود هم نبود

**رئیس - سئوال**

بله این مسئله اختطارشده بود یک سئوالی آقای منتصر السلطان از آقای وزیر امور خارجه داشتند بفرمائید

**منتصر السلطان - سئوال**

بنده از جناب وزیر امور خارجه سئوال میکنم در خصوص شهید سعید مرحوم صنایع الدوله اقداماتی که کرده اند ممکن است که بگویند و این اشخاصیکه مرتکب این حرکت شنیع شده اند چه اقداماتی فرموده اند و بجای رسیده است که آن محرکین را بدست بیارند و می توانند ما را امیدوار کنند که بزودی تمام افراد ملت آسوده شوند از این حرکت که در واقع برای تمام ملت و هیئت دولت خیلی اسباب تأسف شده است

**وزیر خارجه - سئوال**

از دقیقه که این واقعه تا گوار اتفاق افتاد وزارت خارجه بتوسط نظایه اقداماتی که موظف بوده بعمل آورد قائلین را آن دونفر را که مرتکب می دانستند بدست آوردند بنظمیه برده شده اند صبح آنروز (اگرچه همان شبانه دو استطابق بعمل آمد)

ولی صبح آنروز يك جلسه تشکیل شد تا ساعت چهار پنج از شب گذشته بتحقیقات اولیه آنها که تفصیل تا بهت آنها باشد اقدام شد و معلوم شد که آنها هر دو تبه روس هستند یکی از آنها از قزاق های تبه روس بود که بعد معلوم شد یکی دیگر از دهاتی های قفقاز و آنطرف کوتایس واز آنجا بود که برای کشت چای او را باز ندران آورده بودند يك مباشری داشت مرحوم صنایع الدوله که آنها تبه روس بود و آنها مقتول شد او این را آورده بود آنجا مشغول چای کاری شده بود و گویا يك حسابی هم غیر مستقیم پیدا کرده بود با مرحوم صنایع الدوله که بدوسیله اینکار که رسیدگی شد معلوم شد که يك طلبی داشته است از آن تبه روس که بولی داده بودند و آنجا خرج شده بود و اینجا هم گویا در این باب گویا مذاکره کرده بودند بالاخره آن آدم اقرار کرد که سه تیر به مرحوم صنایع الدوله زده است در آن جلسه اول که استنطاقاتشان بود مطابق ترتیبات دوسیه و تذکره شان بود مسلم شد که کرجی و از منی تبه روس هستند بعد از آنکه تبعیت آنها معلوم شد سفارت روس بر حسب معاهده نامه اینها را مطالبه کرده بودند ولی خواهش شد که بایستی تحقیقات اولیه از بابت ارتکاب اینکار بعمل بیاید قبول کردند که آنروز از صبح مشغول شدند تا ساعت سه و چهار از شب رفته با مأمور سفارت روس در وزارت خارجه در محاکمات آنچه تحقیقات و استنطاقات بود بعمل آمد و صورت مجلس تمام شد بعد از اینکه مطابق عهد نامه این تحقیقاتیکه لازم بوده بعمل آمد قرار شد تحقیقات دیگریکه شاید از دیگران حواشی کار شده باشد بکنند و از روز بعد در این کار مشغول شدند و هر روز هفت هفت جلسه است و تمام کارها را وزارت خارجه یعنی کارهای محاکماتی را بالخصوص تعطیل کرده است و از سفر اول سائر خواهش کردند که قدر محاکمات را قبول کنند که فقط در این امر رسیدگی خودشانرا تکمیل بکنند و هر روز مشغولند و نمی توانم بنده عرض

که تا امروز حقیقت که بنده شخصاً اظهار رضایت از آن میکنم کارش بدینگونه در این باب چند کاغذ بوزارت مالیه نوشت که آن رئیس مالیه آنجا که مدعی سوء رفتاری نسبت با او و بعضی چیزها است او را بفرستند بعدا کمات عسکری که ببینیم چه ادها میکند و چه سوء رفتاری نسبت با او شده است که از روی آن محاکمه و مجازات بشود او را نفرستاده اند ولی خود این بعضی نوشتجات و تصدیقات ارائه می د که او تهرئه میکند ولی برای تحقیقات و بدست آوردن معلومات همه روزه در تحت محاکمه است تا آمدن رئیس مالیه آنجا که آن رئیس مالیه بیاید و اظهارات خودش را بکند آنوقت محاکمات عسکریه در آن باب دقت خودش را بکند و حکم بشود ولی هنوز نیامده است و از طرف وزارت مالیه در این خصوص اقدامی نشده است

**فهم الملک - سئوال**

فرمایند آقای وزیر جنگ بنده را فنانح نکرد زیرا برداشتن يك عده قشون و احاطه کردن اداره مالیه کاری نیست که ما بگوئیم ممکن است واقع شده باشد و ممکن است واقع نشده باشد بلکه این يك مسئله ایست که تمام شهر را برهم زد و قشون اجنبی را که در آنجا متوقف بود بجزکت آورد بنده نمی گویم رئیس مالیه آنجا بی تصدیق است فرض میکنیم که با تصدیق است رئیس قشونم يك حواله قانونی در دست داشته است و رئیس مالیه نداده است این منتهی تصدیق او است ولی قانون يك همچو مسئله را اجازه نمیدهد بامورین نظامی و مأمورین عسکری که بکسره مواظبت همراهم هستند آنها را برادر و اداره مالیه آنجا را احاطه بکنند و در اینجا تکلیف بخواهد فو که بیکدیگر امر مأمورین داده میشود برای اینکه فو مسافه داشته باشد برای آنکه بتواند محل را اصلاح کند بنده اصلا درم که اینجراکات را کرده اند حتی بعضی از حرکات دیگر که حالا چون سؤال است میخواهم عرض کنم کرده اند در هر صورت او اینجراکت خودش مقرر است و باید ترتیبی شود و بعد محاکمه با او بشود که تکلیف دارند باید محاکمه بشود محاکمه او ربطی با این معامله ندارد و اینکار بیشتر جدیت لازم دارد که زودتر انجام بدهند اینکار را بعداً اگر محاکمه هم با او میشود بشود

**وزیر جنگ - سئوال**

بنده حیرت میکنم از این سؤال دوم برای آنکه مایکوقتی میگوئیم مشروطه داریم قانون داریم محاکمات داریم و این مسئله بدون اینکه يك رسیدگی شود نمیشود او منکر است بردن سرباز را که همه سربازی مامور بوده اند در قزوین و اینها بهوجب برات وزارت مالیه حقوقی داشته اند قریب ده هزار تومان برات داشته اند و تلگراف بی دردی بوزارت جنگ شکایت کرده است از ندادن تنخواه و وزارت مالیه در زمان حیوة مرحوم صنایع الدوله ده تلگراف بی دردی هر سه روز یکدفعه بر رئیس مالیه آنجا کرده است که چرا حق آنها را نمیده ای اگر وزارت مالیه تصور نمیکرد که پول پیش مأمور خودش دارد چطور همچو تلگراف می میکرد و محاکمات عسکری تصدیق میکنم که رئیس مالیه آنجا عرض شخصی بخرج داده است و این مأمور یعنی زمانخان مأمور از خودش تهرئه

**وزیر جنگ - سئوال**

بنده حیرت میکنم از این سؤال دوم برای آنکه مایکوقتی میگوئیم مشروطه داریم قانون داریم محاکمات داریم و این مسئله بدون اینکه يك رسیدگی شود نمیشود او منکر است بردن سرباز را که همه سربازی مامور بوده اند در قزوین و اینها بهوجب برات وزارت مالیه حقوقی داشته اند قریب ده هزار تومان برات داشته اند و تلگراف بی دردی بوزارت جنگ شکایت کرده است از ندادن تنخواه و وزارت مالیه در زمان حیوة مرحوم صنایع الدوله ده تلگراف بی دردی هر سه روز یکدفعه بر رئیس مالیه آنجا کرده است که چرا حق آنها را نمیده ای اگر وزارت مالیه تصور نمیکرد که پول پیش مأمور خودش دارد چطور همچو تلگراف می میکرد و محاکمات عسکری تصدیق میکنم که رئیس مالیه آنجا عرض شخصی بخرج داده است و این مأمور یعنی زمانخان مأمور از خودش تهرئه

میکند و میگوید من سرباز را نبرده ام آنجا بلکه سرباز از گرسنگی خودش این اقدامات را کرد و یک نفر از سربازها از سرآمده است و خودش سربازها را طبعاً بجهان آورده است و اگر این هیجان سرباز موجب تصدیق است باید وزارت جنگ این دین را تهرئه بکند و بجهت نافر را هم تهرئه میکند ولی در صورتیکه به بینیم اینها هیجان کرده اند و مقصود بوده اند یا نبوده اند اما شخص زمانخان تهرئه میکند این اقدام را از خودش میگوید که من سرباز قشون کردم نصیحت کردم که سیر کنید صبر نکردند و هنوز هم که دست آن امین مالیه پول نداده است و چیزیکه هست اینست که میگوید که در این پنجمه که ما این برات را برده ایم با اداره مالیه با این تا کیدات اخیر که چندین تلگراف وزارت مالیه را بردیم که پول ما را بدهند آیا این امین معامله و داد و ستد پولی کرده است یا نکرده است اگر کرده است کدام مخرج از این لازمتر بوده است که سرباز گرسنه بماند در سرما در قزوین و تهرئه اینست که میگوید وزارت جنگ میتواند بدون اینکه رسیدگی کند يك دفعه زمانخانرا بیاورد و بگوید که ده ساله سال باید حبس شوی و دو هزار شلاق باید بخوری اینکار را ممکن نیست بکنند مگر بعد از رسیدگی و تحقیق

**محمد هاشم میرزا - سئوال**

بنده حیرت میکنم از این سؤال دوم برای آنکه مایکوقتی میگوئیم مشروطه داریم قانون داریم محاکمات داریم و این مسئله بدون اینکه يك رسیدگی شود نمیشود او منکر است بردن سرباز را که همه سربازی مامور بوده اند در قزوین و اینها بهوجب برات وزارت مالیه حقوقی داشته اند قریب ده هزار تومان برات داشته اند و تلگراف بی دردی بوزارت جنگ شکایت کرده است از ندادن تنخواه و وزارت مالیه در زمان حیوة مرحوم صنایع الدوله ده تلگراف بی دردی هر سه روز یکدفعه بر رئیس مالیه آنجا کرده است که چرا حق آنها را نمیده ای اگر وزارت مالیه تصور نمیکرد که پول پیش مأمور خودش دارد چطور همچو تلگراف می میکرد و محاکمات عسکری تصدیق میکنم که رئیس مالیه آنجا عرض شخصی بخرج داده است و این مأمور یعنی زمانخان مأمور از خودش تهرئه

**رئیس - سئوال**

بنده حیرت میکنم از این سؤال دوم برای آنکه مایکوقتی میگوئیم مشروطه داریم قانون داریم محاکمات داریم و این مسئله بدون اینکه يك رسیدگی شود نمیشود او منکر است بردن سرباز را که همه سربازی مامور بوده اند در قزوین و اینها بهوجب برات وزارت مالیه حقوقی داشته اند قریب ده هزار تومان برات داشته اند و تلگراف بی دردی بوزارت جنگ شکایت کرده است از ندادن تنخواه و وزارت مالیه در زمان حیوة مرحوم صنایع الدوله ده تلگراف بی دردی هر سه روز یکدفعه بر رئیس مالیه آنجا کرده است که چرا حق آنها را نمیده ای اگر وزارت مالیه تصور نمیکرد که پول پیش مأمور خودش دارد چطور همچو تلگراف می میکرد و محاکمات عسکری تصدیق میکنم که رئیس مالیه آنجا عرض شخصی بخرج داده است و این مأمور یعنی زمانخان مأمور از خودش تهرئه

**سالمین میرزا - سئوال**

بنده حیرت میکنم از این سؤال دوم برای آنکه مایکوقتی میگوئیم مشروطه داریم قانون داریم محاکمات داریم و این مسئله بدون اینکه يك رسیدگی شود نمیشود او منکر است بردن سرباز را که همه سربازی مامور بوده اند در قزوین و اینها بهوجب برات وزارت مالیه حقوقی داشته اند قریب ده هزار تومان برات داشته اند و تلگراف بی دردی بوزارت جنگ شکایت کرده است از ندادن تنخواه و وزارت مالیه در زمان حیوة مرحوم صنایع الدوله ده تلگراف بی دردی هر سه روز یکدفعه بر رئیس مالیه آنجا کرده است که چرا حق آنها را نمیده ای اگر وزارت مالیه تصور نمیکرد که پول پیش مأمور خودش دارد چطور همچو تلگراف می میکرد و محاکمات عسکری تصدیق میکنم که رئیس مالیه آنجا عرض شخصی بخرج داده است و این مأمور یعنی زمانخان مأمور از خودش تهرئه

از این بابت خاطر اولیاء امور آسوده باشد ولى وقتیکه تبعیت او معلوم و مسلم شد مسلماً باید بدلول عهدنامه رفتار شود .

**سلامت میرزا** - بنده عرض میکنم که خوب است زودتر اقداماتی را که لازم است وزارت امور خارجه بنماید و مجازات این شخص اگر هم تبعه روسی باشد مطابق عهدنامه باید در روسیه بشود زودتر بشود که لاف مردم بدانند که بکنوع مجازاتی در بین هست والا باین ترتیب که پیش آمده است که هر کسی هر کسی رازد و کشت فوراً بگیرد من تبعه روس هستم اگر چه واقفاً هم تبعه روس باشد نتیجه خودش بدست نخواهد آمد و اگر چه شاید از سؤال خارج باشد ولی میخواهم عرض کنم که وزارت امور خارجه سر این خصوص ترتیبی را پیشهاند کنند که بدانم حقیقتاً چه اشخاصی تبعه روس هستند و آنها را بشناسیم و دیگر کار بانها رجوع نکنیم .

**وزیر امور خارجه** - بنده ناچار شدم از اینکه دوباره عرض کنم که اولیاء امور مسبوق باشند و تصریح میکنم که مسلماً اولیاء دولت روس از این اتفاقات بکلی متفرقه و صریحاً در چند موضوع و چند موقع وزیر مختار دولت روس شخصاً اظهار تنفر از این قبیل اتفاقات کرده است و بنده هم بمقامات لازم عرض کرده ام و مسلم است این مسئله بک امری نیست که بک دولتی مثل دولت روس در او کمال دقت را نکند و مسلماً آتاهائی که مرتکب این فعل شنیع شده اند بمجازات خواهند رسید و آن مجازات را خواهند فهمید اما در باب رفع این مضار صریحاً عرض میکنم چنانچه دفعه دیگر هم عرض کرده ام که واجب است بر اولیاء امور که عبارت از هیئت وزراء و وکلا باشند که متناً در این بابت اقدامات نموده و نتیجه عاجل بگیرند والا برای هیچکس نه از برای وکیل و نه از برای وزیر آن اطمینان نخواهد بود که در این مملکت باین ترتیب کار بکنند .

**رئیس** - چند فقره دستخط از والا حضرت آقای نایب السلطنه رسیده است که برای اطلاع و استحضار آقایان نمایندگان خوانده میشود .

[ آقای آقا میرزا ابراهیم خان لویج مزبوره را ببارت ذیل قرائت نمود ]

رئیس مجلس شورای ملی - سه فقره یادداشت مهم را که لفا ارسال شده ملاحظه و در مجلس قرائت خواهید فرمود .

(۱) در این دوسه روزه ورود بنده حال فتوری در هیئت وزرا مشهود است و چنانکه شما گفتیم آقای رئیس الوزراء فردای ورود بنده برخلاف انتظار اظهار استعفا کردند و چون قانونی نبود بنده ندیده خیال کردم و حالا چون اوضاع مملکت بکلی باحال فتور منافی است از وزراء عظام مؤکداً خواهش کرده ام که فرضاً هم خیال استعفا داشته باشند و حال آنکه دلیل آنرا بنده هنوز نمیدانم باید رشته امور را نکرده عجالاً جدا مشغول باشند تا تکالیف کلیه معین گردد و لازم نیست توضیح کنم که متطلب امور دولت در صورت استعفا نیز در هیچ جا معمول نیست .

(۲) حالت حالیه مملکت را نمایندگان محترم

البته بهتر میتوانند در بعضی مسائل اساسی اقدامات سریع را لازم است زیرا منافعی برای مملکت است که در تأخیر از دست خواهد رفت و مضاری متصور است که خدا نخواستہ متوجه خواهد شد .

(۳) از تجار و اهالی تبریز تلگرافی در واقعه ناگواری مرحوم صنایع الدوله رسیده که نسخه آنرا البته ملاحظه فرموده ام گذشته از اینکه فقدان آن مرحوم خسارتی بمملکت بوده از نقطه نظر دقت نیز که این ظهورات علامت طلوع امراض مهملکه است اهمیت زیاد دارد و در همین سه چهار ماه قبل در نظیر اینگونه وقایع رئیس الوزراء بک ملت بزرگ نهایت استادگسی را کرده اظهار داشت بزور ناراضی ریشه آزادی را قطع میکنند در اینجا میتوان گفت رشته حیات مملکت را خلل بزرگ میرساند آنچه لازم بوده بوزاری عظام بیان شده توجه مجلس مقدس را نیز با اهمیت این ظهورات جلب مینماید .

**رئیس** - این دستخط مبارک والا حضرت در واقع بدم مسئله مهم راجع است در خصوص مرحوم صنایع الدوله که در واقع اربابانی که آقای وزیر امور خارجه فرمودند خاطر نماینده کان مسبوق شد و شرحی هم از طرف مجلس تا کید شده است که در باب استنطاق و تنبیه و مجازات مرتکبین هیچ فرو گذار نشود و اما در مسئله کابینه وزراء که در ضمن دستخط خردشان اشاره فرموده اند در این قسمت بنده منتظر خواهم شد که بصریات اکثریت مجلس را در آن بنام بنابر طبق آن جواب دستخط مبارکشان را عرض کنم .

**آقا میرزا اسدالله خان** - در ممالک متدنه رسم است که رئیس جمهور یا پادشاه سلطنت مشروطه باین نایب السلطنه در مسئله کابینه باید عقیده مجلس را قبول کند چنانکه والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه هم در این باب دستخط فرموده اند و همانطور که فرمودید فقره اولی راجع با اکثریت مجلس است ولی در فقره ثانی آنطور که معمول به تمام عالم است جواب باید داد که یادداشتها ملاحظه شده است و طرف توجه اولیاء امور است ولی وزرا باید در این خصوص بک پیشنهادی بکنند و آن پیشنهاد باید قبل از تمام پیشنهادهای قانونی مطرح شود و چون از طرف رئیس مملکت این اظهار شده است بنده میخواستم با آذری کنم که اینطور داده شود .

**رئیس** - حالا راپورت شعبه سیم راجع به نماینده قاضیات خوانده شود .

**آقا شیخ ابراهیم** - در آن خصوص بعضی شکایات رسیده است که باید بانها رسیدگی شود بعد از آن این راپورت خوانده شود .

**حاج شیخ اسدالله** - بنده چون مخبرم عرض میکنم که راپورت را بخوانید تا آنکه بنده هم عرض خود را اظهار کنم [ راپورت شعبه مزبوره از قرار ذیل خوانده شد ]

بتاریخ سه شنبه ۲۳ و پنجشنبه ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۵ قبل از غروب در تحت ریاست آقا شیخ ابراهیم زنجانی منعقد گردید با اعتبارنامه آقای معذل الدوله نماینده قاضیات و سیستان رسیدگی نموده اعتبارنامه ایشان

حاج عز الممالک بنده پیشنهاد می کنم مطابق اظهار درجه اول ۱۳۲۵ رأی از بیرجند منتخب شده اند . بعد از یک ماه و دو روز از گذشتن انتخاب ایشان رئیس عدلیه قاضیات تلگرافی نموده که جمعی استشهاده فرستاده اند که از انتخاب ایشان ما خبر نداریم و صورت آنرا فرستاد تا کنون که بشمبه ۳۴ قریز تلگراف رئیس عدلیه شکایتی رسیده شعبه صحت اعتبار نامه ایشان را تصدیق می نماید .

**حاج شیخ اسدالله** - این اعتبار نامه قریب ۱۴ ماه است که آمده است و مرید دوماه بود که در شعبه سیم بود و در این باب سه جلسه شد جلسه اول مذاکره شد و در جلسه دیگر مدعیان را در این باب شد یک تلگرافی مصوب این راپورت که تدبیر مجلس شده است از رئیس عدلیه آمده بود که از اهالی دعت عریضه رسیده بود که ما را این انتخاب خبر نداریم و در این صحت کردیم و سواد او را تقدیم مجلس نمودم و چون عیب آنرا فرستاده بود و نوشته بود که سواد عریضه را فرستادم و آن سواد هم رسمیتی نداشت و باید سیم عریضه را بفرستند .

**رئیس** - الزامات بفرمائید خاطر مبارکشان مسبوق است که نظامنامه داخلی میدوید که وقتی یک حرفی راجع با انتخاب یک نماینده شد باید در آن خصوص مذاکره کرد تا آنکه آن راپورت طبع و توزیع شود و چون در این خصوص آقای آقا شیخ ابراهیم اظهار کردند بنده لازم می دانم که این مصوب همانند راپورت طبع و توزیع شود آن وقت داخل مذاکره آن شویم .

**حاج شیخ اسدالله** - بنده متمم این راپورت را میخواهم عرض کنم .

**رئیس** - نظامنامه داخلی اینطور میدوید که وقتی که درباره بک راپورتی اظهار مخالفتی شد در آن خصوص نباید مذاکره شود تا آنکه آن راپورت طبع و توزیع شود .

**حاج شیخ اسدالله** - عرض کردم که بنده فقط می خواهم متمم و نواقص این راپورت را بعرض نمایندگان برسانم حالا اجازت نمی دهید مختارید .

**رئیس** - عرض کردم نظام نامه داخلی بما می گوید که در این باب نباید حرف زد تا اینکه طبع و توزیع شود حالا شروع می کنیم بشور در لایحه قانونی وزارت جنگ راجع بجلب سوار ایلات ( ماده اول - کمیسیون نظام مجدداً قرائت شد )

**رئیس** - در باب این ماده آروز خیلی مذاکرات شد و بعضی پیشنهادهای از طرف نمایندگان محترم شده بود که بواسطه کافی نبودن عده نتوانستیم در آنها رأی بگیریم و به نتیجه قابل توجه میشوند یاخیر حالا آن پیشنهادها را می خوانیم تا اینکه در قابل توجه و در آن رأی بگیریم ( ۱ ) از طرف آقای بهجت بنده تقاضا می کنم که لفظ سرباز بنده نمی باشد از ماده اول اسقاط شود ( ۲ ) از طرف آقای

حاج عز الممالک بنده پیشنهاد می کنم مطابق اظهار آقای معاضد الممالک لفظ طوایف نیز نوشته شود ( ۳ ) از طرف آقا میرزا یانس بنده پیشنهاد می کنم که ماده اول چنین نوشته شود از کلیه ایلات و طوایف و ملل متنوعه که سرباز بنده نیب باشند دولت بموجب آن قانون سوار میگردد .

**رئیس** - حالا باید در این پیشنهاد ها رأی بگیریم که قابل توجه است یاخیر

**حاج عز الممالک** - بطوریکه آقای معاضد الممالک در جلسه قبل فرمودند بنده این پیشنهاد را کردم از برای زیاد شدن لفظ طوایف بدو ملاحظه یکی اینکه ایلات ایران اغلب معروف بطایفه هستند مثل طایفه سکرند و دیگر و دیگری بملاحظه اعراب بجهت اینکه وقتی بنده می آمدم عشایر عرب که آنها طایفه گفته می شوند خیلی مایل بودند که بدولت سوار بدهند .

**معزز الممالک** - بنده با پیشنهاد اول سیم مخالف هستم و با پیشنهاد دوم موافق هستم ولی بآن معنی که طایفه هم همان معنی ایل را میفهماند چون ممکن است در بعضی جاها بواسطه اختلاف اصطلاح ایل می گویند و در بعضی جاها طوایف می گویند محض اینکه بصورت ظاهر از عبارت همجو مفهوم می شود بنده این پیشنهاد را تصویب می کنم ولی پیشنهاد اول که پیشنهاد کرده اند جمله سرباز بنده نمی باشند از ماده اول حذف شود در جلسه گذشته شرحی عرض کردم و امروز دیگر به آن تفصیل ذکر نخواهم کرد ولی مختصراً عرض می کنم که این سزادار نیست که یک ایلی که سرباز میداده است و حالا هم میدهد بر او تحمیل بکنیم که باید سواد هم بدهد در صورتیکه آن ایلی که سرباز میدهد مثل بنده سواد میدهد هیچ فرقی نمی کند برای آن که آتیم بک تحمیلی است که بر آن ایل شده است و همان وقتیکه سرباز بنده ای ایل موقوف شد حکم همان اهل سواد بنده را پیدا می کند و مجبور می شوند که سواد بدهند پس باینجهت مجبور بودم این عرض را بکنم که بر بعضی ایلات دو تحمیل نشود که هم سرباز بدهند هم سواد باینجهت با آنکه پیشنهاد مخالف هستم و به آن پیشنهاد موافقم اگر طایفه معنی ایل را بیروارند و با پیشنهاد سیم هم که از آقای میرزا یانس است مخالف هستم فقط بیک جهت برای اینکه البته هر یک از مللی که در این خاک زندگی میکنند شریک در این خاک هستند و در دفاع و محافظه آتیم باید شریک باشند و وقتیکه ما خواستیم از کلیه افراد این مملکت قشون بگیریم بکنیم البته این ملاحظه را خواهیم داشت و رأی مقتن آنزمان این مسئله را حل خواهد کرد ولی ما حالا می خواهیم سواد بگیریم از ایلات و طوایفی که تقریباً در این مملکت زندگی میکنند و استعداد اینکار را دارند پس بنده اساساً هیچ اظهار عقیده نمی کنم که این پیشنهاد صحیح است یا غلط است همین قدر عرض میکنم که این بنده است بنظر آن مقدنی که بعد این مسئله را خواهد کرد .

**میرزا یانس** - چون از زمانیکه بنده وارد شده ام در این مجلس مقدس تا بحال این دفعه اول است که بک قانونی بجهت گرفتن نظام در این مملکت پیشنهاد شده است و این دفعه اول را بنده نمیتوانستم غنیمت نشمارم و عقیده آن ملتی را که بنده شرف نمایندگی آنها را دارم در خصوص مجلس مقدس اظهار نکنم در جلسه سابق وقتیکه بنده این پیشنهاد را کردم در همین جایکه استادم بک ایرادی به پیشنهاد بنده گرفته شد و ایرادش مبنی بر قوانین مذهب اسلامی بود - بنده خیلی تأسف دارم که از قوانین این مذهب محترم بآن اندازه که خودم مایل هستم اطلاع ندارم ولی بک قدری از سیاسیات مملکت و مملکت داری اطلاع دارم و آن اطلاعات مرا مجبور میکند که بک قدری از آنها را در اینجا عرض کنم البته آقایان نمایندگان میدانند که وقتیکه افراد اهالی بک مملکتی ادعا کرد که ما آزادی و مشروطیت را در بین افراد نشر کردیم بعضی وظایف و خصوصیات را دارد که باید آن ها را رعایت نمایند و تساوی حقوق افراد آن مملکت ممکن نیست دیگر این که در وظایف با هم شریک باشند بنده نمیتوانم تصور بکنم که بایک آقایانی بیا تصد تومان وجه نقد سرمایه شریک آن بشوم که آن آقا هزار تومان سرمایه گذاشته باشد و بعد در موقع تقسیم منافع سرمایه بگوئیم یک صد و پنجاه تومان ارمال من و یکصد و پنجاه تومان مال شما و طایفمان باید مطابق هم باشد تا حقوقمان هم مساوی باشد اگر بک طریقه دیگری می باشد که وظایف یکی کمتر باشد و حقوق مساوی باشد با اینکه وظایف اش کمتر بوده است که با بفرمائید پس در اینصورت مساوی بودن در منافع بک مملکت تقاضای این را دارد که افراد آن بجهت آن نگهداری آن مملکت دوش بدوش خون بریزند و دوش دوش زراعت بکنند و پهلو می هم در آن زمینی که خون خودشان آنرا محافظت کرده اند و با دست خودشان در آن زراعت کرده اند بنشینند و فایده آنرا با هم بخورند والا قسم دیگری متصور نیست که عقل با آن همراهی بکنند آمدیم بر سر این مسئله که از ملل متنوعه قشون گرفته شود یا نشود البته بتمام آقایان معلوم شده است که در عهدیکه ما زیست میکنیم عهدیست که هر ملتی هر قدر هم عمارت کم و کوچک باشد بی حقوق خودش برده است و در استرداد حقوق عامه که تا اندازه که توانسته است جان نثاری کرده اند و آنها اینیکه نکرده اند حاضرند بکنند و متاسفانه در بک عهدی زیست می کنیم که محافظت حقوق نمیتواند وجود داشته باشد مگر اینکه تکلیف بیک قوم محکمی داشته باشد و ملل کوچک هم که این مسائل را فهمیده اند هر بک بجهت خود تهیه وسایل کرده اند که خودشان را با واسطه حفظ نمایند بنده وقتیکه در این مجلس مقدس عرض می کنم که شما از ملل متنوعه قشون بگیرید همانطور که از غیر ملل متنوعه میخواهید بگیرید و در این مسئله جنبه وطن پرستی من نمیچربد بر جنبه ملت پرستی آن ملتیکه من نماینده آنها هستم این ملل متنوعه از خودشان بک قوه داشته اند یا خواهند داشت و اگر ندارند ایجاد خواهند کرد اینست که بنده پیشنهاد این دولت میکنم که آتقوه را مرکز مملکت بدست خودش بگیرد و بجهت حفظ منافع عمومی جمعی این مملکت بکاربرد و

شده ام در این مجلس مقدس تا بحال این دفعه اول است که بک قانونی بجهت گرفتن نظام در این مملکت پیشنهاد شده است و این دفعه اول را بنده نمیتوانستم غنیمت نشمارم و عقیده آن ملتی را که بنده شرف نمایندگی آنها را دارم در خصوص مجلس مقدس اظهار نکنم در جلسه سابق وقتیکه بنده این پیشنهاد را کردم در همین جایکه استادم بک ایرادی به پیشنهاد بنده گرفته شد و ایرادش مبنی بر قوانین مذهب اسلامی بود - بنده خیلی تأسف دارم که از قوانین این مذهب محترم بآن اندازه که خودم مایل هستم اطلاع ندارم ولی بک قدری از سیاسیات مملکت و مملکت داری اطلاع دارم و آن اطلاعات مرا مجبور میکند که بک قدری از آنها را در اینجا عرض کنم البته آقایان نمایندگان میدانند که وقتیکه افراد اهالی بک مملکتی ادعا کرد که ما آزادی و مشروطیت را در بین افراد نشر کردیم بعضی وظایف و خصوصیات را دارد که باید آن ها را رعایت نمایند و تساوی حقوق افراد آن مملکت ممکن نیست دیگر این که در وظایف با هم شریک باشند بنده نمیتوانم تصور بکنم که بایک آقایانی بیا تصد تومان وجه نقد سرمایه شریک آن بشوم که آن آقا هزار تومان سرمایه گذاشته باشد و بعد در موقع تقسیم منافع سرمایه بگوئیم یک صد و پنجاه تومان ارمال من و یکصد و پنجاه تومان مال شما و طایفمان باید مطابق هم باشد تا حقوقمان هم مساوی باشد اگر بک طریقه دیگری می باشد که وظایف یکی کمتر باشد و حقوق مساوی باشد با اینکه وظایف اش کمتر بوده است که با بفرمائید پس در اینصورت مساوی بودن در منافع بک مملکت تقاضای این را دارد که افراد آن بجهت آن نگهداری آن مملکت دوش بدوش خون بریزند و دوش دوش زراعت بکنند و پهلو می هم در آن زمینی که خون خودشان آنرا محافظت کرده اند و با دست خودشان در آن زراعت کرده اند بنشینند و فایده آنرا با هم بخورند والا قسم دیگری متصور نیست که عقل با آن همراهی بکنند آمدیم بر سر این مسئله که از ملل متنوعه قشون گرفته شود یا نشود البته بتمام آقایان معلوم شده است که در عهدیکه ما زیست میکنیم عهدیست که هر ملتی هر قدر هم عمارت کم و کوچک باشد بی حقوق خودش برده است و در استرداد حقوق عامه که تا اندازه که توانسته است جان نثاری کرده اند و آنها اینیکه نکرده اند حاضرند بکنند و متاسفانه در بک عهدی زیست می کنیم که محافظت حقوق نمیتواند وجود داشته باشد مگر اینکه تکلیف بیک قوم محکمی داشته باشد و ملل کوچک هم که این مسائل را فهمیده اند هر بک بجهت خود تهیه وسایل کرده اند که خودشان را با واسطه حفظ نمایند بنده وقتیکه در این مجلس مقدس عرض می کنم که شما از ملل متنوعه قشون بگیرید همانطور که از غیر ملل متنوعه میخواهید بگیرید و در این مسئله جنبه وطن پرستی من نمیچربد بر جنبه ملت پرستی آن ملتیکه من نماینده آنها هستم این ملل متنوعه از خودشان بک قوه داشته اند یا خواهند داشت و اگر ندارند ایجاد خواهند کرد اینست که بنده پیشنهاد این دولت میکنم که آتقوه را مرکز مملکت بدست خودش بگیرد و بجهت حفظ منافع عمومی جمعی این مملکت بکاربرد و

**حاج عز الممالک** - بنده با فرمایشات آقای معزز الممالک موافقم و عرض میکنم که مراد از کلمه طوایف همان طوایفی هستند که ایل یا از عشایر عرب باشد ولی باسم ایلی معروف نباشند حالا از چادر نشین ها هم بخواهند جزء بکنند یا نکنند باید رأی گرفت و کلیه مقصود بنده از این پیشنهاد فقط همین است که طوایف زیاد شود بهمان جهتی که سابقاً عرض کردم [ گفته شد مذاکرات در این خصوص بعمل آمده است خوب است رأی بگیرد ]

**ارباب کیخسرو** - بنده در بک مجلس وقتی که در آن اطاق بودیم عرض کردم - بنده اگر چه از طرف زرتشتیان انتخاب شده ام ولی هیچوقت از طرف زرتشتیان حرف نمی زنم مگر در آن موقع که به بینم حقوق ایرانیت آنها میخواهد از میان برود این را هم عرض میکنم که زرتشتیان هیچوقت عادت بچنگ کردن نداشته اند و در این نبوده اند و عده شان این قدر نیست قابل این مسئله باشد و در جلسه گذشته بک مذاکره در اینجا شد که میخواستم نقض کند قانون اساسی را در اصل هشتم متمم قانون اساسی می نویسد ( اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود ) و منواتیکه بریروز اینجا شد چنان فهماند که اقوامی که خارج از اسلام در این مملکت هستند باید از این قانون بی بهره باشند بنده هیچ نمی فهمم که این قانون دولتی که در قانون اساسی می نویسد چه قانونی است که آنها باید در مقابل آن متساوی حقوق باشند قانون قشون گیری که متساوی نیست اگر هم کسی کشته میشود در جانی قابل گفتگو نیست ترتیبات دیگری هم که از برای آنها حاصل میشود هیچ قابل توجه نیست پس بنده نمیدانم در کدام قانون مملکتی آنها متساوی الحقوق خواهند بود این هم بنده عرض کنم که بنده در این مقام که عرض کنم طایفه زرتشتیان ایل می باشند و باید از آنها سواد گرفت ولی چون آن اظهارات را مخالف این اصل دانستم خواستم این جا توضیح بدهم یکی از اشخاصی هستم نه در این موقع بلکه در هر مقام مراعات تمام اصول قانون اساسی را کرد ام و حافظ قانون اساسی هستم و هر وقت

حاج عز الممالک - بنده با فرمایشات آقای معزز الممالک موافقم و عرض میکنم که مراد از کلمه طوایف همان طوایفی هستند که ایل یا از عشایر عرب باشد ولی باسم ایلی معروف نباشند حالا از چادر نشین ها هم بخواهند جزء بکنند یا نکنند باید رأی گرفت و کلیه مقصود بنده از این پیشنهاد فقط همین است که طوایف زیاد شود بهمان جهتی که سابقاً عرض کردم [ گفته شد مذاکرات در این خصوص بعمل آمده است خوب است رأی بگیرد ]

**ارباب کیخسرو** - بنده در بک مجلس وقتی که در آن اطاق بودیم عرض کردم - بنده اگر چه از طرف زرتشتیان انتخاب شده ام ولی هیچوقت از طرف زرتشتیان حرف نمی زنم مگر در آن موقع که به بینم حقوق ایرانیت آنها میخواهد از میان برود این را هم عرض میکنم که زرتشتیان هیچوقت عادت بچنگ کردن نداشته اند و در این نبوده اند و عده شان این قدر نیست قابل این مسئله باشد و در جلسه گذشته بک مذاکره در اینجا شد که میخواستم نقض کند قانون اساسی را در اصل هشتم متمم قانون اساسی می نویسد ( اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود ) و منواتیکه بریروز اینجا شد چنان فهماند که اقوامی که خارج از اسلام در این مملکت هستند باید از این قانون بی بهره باشند بنده هیچ نمی فهمم که این قانون دولتی که در قانون اساسی می نویسد چه قانونی است که آنها باید در مقابل آن متساوی حقوق باشند قانون قشون گیری که متساوی نیست اگر هم کسی کشته میشود در جانی قابل گفتگو نیست ترتیبات دیگری هم که از برای آنها حاصل میشود هیچ قابل توجه نیست پس بنده نمیدانم در کدام قانون مملکتی آنها متساوی الحقوق خواهند بود این هم بنده عرض کنم که بنده در این مقام که عرض کنم طایفه زرتشتیان ایل می باشند و باید از آنها سواد گرفت ولی چون آن اظهارات را مخالف این اصل دانستم خواستم این جا توضیح بدهم یکی از اشخاصی هستم نه در این موقع بلکه در هر مقام مراعات تمام اصول قانون اساسی را کرد ام و حافظ قانون اساسی هستم و هر وقت

چیزی برخلاف قانون اساسی کرده است. استظهار کرده ام حتی اگر چیزی برخلاف نظامنامه داخلی اظهار شده است فوری اظهار کرده ام و اینست که بنده برسبیل اظهار عرض می کنم که نباید این اظهار شده باشد.

**آقاسید حسین مدرس قمی** - عرض می شود که برداشت مطلب پرریزیکه از طرف وزیر جنگ پیشنهاد شده بود درخصوص اخذ قشون اجباری بود معنی قشون اجباری اینست که اگر آنها آمدند و خدمت کردند که بسیار خوب و الا بقره و غلبه آنها را باید آورد بجهة حفظ مملکت اسلامی فرمودند اگر ۲۰ هزار نفر سوار باشد از سی خانوار يك سوار گرفته شود و اگر نیامدند اجبار خواهند شد که بیایند این معنی قشون اجباری است و بواسطه حکمی که البته ملاحظه شده است در مذهب اسلام و در قانون اساسی فرموده اند این مللی که نسبت باسلام جزئند و گانه پناهنده اسلام هستند فرموده اند آنها را اجبار نکنید و بقره و غلبه رفتار نکنید و آنها را مجبور نکنید تا قلبشان راغب بشما بشود و آنها را ناچار واکذارید یعنی اگر میلشان کشید متشان را بدارید اگر میلشان نکشید آنها را اجبار نکنید حالا حفظ قانون اساسی اینست که آنمللی که در مملکت هستند وعده شان يك کرور یا صد هزار است اینها را اجبار بیاریم که بیایند برای ما جنگ بکنند یا با اختیار بگذاریم که میل شماست مختارید میل شماست اگر آمدید منت شما را داریم اگر هم نیامدید اجباری نیست و با اختیار با خودتان است ما خودمان کمربسته ایم که مملکت شما را نگاه بداریم امکان ندارد که قانون اساسی نقطه تغلف داشته باشد با قوانین اسلامی اما تعبیراً ما تعبیرات آخوندی است و تعبیرات شما تعبیر سیاسی است و داخل سیاست هستند در روزنامه هم دیدیم که درست مقصود بنده را نتوانسته بودند بیابند و بطریق بنده را ضبط کنند باینجه اظهار میکنم که ابداً بنده راضی نیستم که هیچ روزنامه نویسی نطق بنده را بنویسد چون فرمایش بنده و سایر آقایان ختمه يك خصوصیتی دارد و بنده که از همه ضعیف ترم عرض میکنم بکدرجه فایده محفوظ بماند و آن خصوصیت اینست که بنده نماینده پنج هزار علما و روحانیین ایران و عتبات و فقهائز و افغان و هندوستان هستم نطق من سندیت دینی دارد هر کسیکه تمام حدودش را نمیفهمد ننویسد مثل اینکه ارباب کیخسرو سوء تفاهم کرده بودند البته اینها در مملکت ما از زردشتیان برادران وطنی ما از یهود از اراکه هستند البته باید دفاع کنند و خاک خودشان را نگاه دارند ولی دفاع بکنند یعنی میل خودشان است نه اینکه من بگویم حکما باید بیایند اگر بمیل و رغبت آمدند منت او را بدارید و از بیت المال مسلمین هم بآنها حق بدهند (تمام نمایندگان تصدیق کردند)

**پهجت** - اینجا چون چهار پیشنهاد شده بود پیشنهاد اول پیشنهاد بنده بردو لایحه برای گرفته خواهد شد

شاید اسباب يك اشتباهی بشود از این جهت لازم است که توضیحی عرض کنم بنده مقصودم این بود که از ایلاتیکه سرباز میگیرند سوار هم گرفته شود و این تحمیل فوق العاده بآنها بشود لکن بنده عرض کردم چون برای سرباز لایحه ما يك قانون وضع نکرده ایم باینجه جهت ندارد که سرباز کبری را ما در اینجا قید بکنیم و يك چیز غیر قانونی را قانونی کنیم و اشتباه بکنیم از يك ماده قانونی يك چیز غیر قانونی را ما عجالتاً این مسئله سرباز کبری را مسکوت عنه میگذاریم نهایت در اجرای این قانون امروز مجبور نیستیم که بعضی اینک این قانون از مجلس گذشت یا از تمام ایلات ایران سوار بگیریم اگر از بعضی از آنها سرباز گرفته میشود جبراً علی اسبق گرفته شود نهایت اگر وزیر جنگ صلاح نمیداند که از بعضی ایلاتیکه سرباز گرفته میشود سوار گرفته نشود آوقت مطابق قانونیکه برای سرباز بگیری وضع میشود که تمام مهلت و قصبات مطابق بنیچه که وضع شده است باید مسابا سرباز بدهند از آنها هم سرباز بگیرند مطابق همان قانون لذا بنده تقاضا میکنم که این لفظ سرباز بنده نمی باشد حذف شود و این مسکوت عنه بماند و از کلیه ایلات یعنی چار نشینها از فرار هر سی خانوار يك سوار گرفته شود عرض اینست که این لفظ را باید بردارند بجهت اینکه استتفا کردن يك چیز غیر قانونی از يك چیز قانونی این قانونی نیست.

(مجدداً پیشنهاد آقای بهجت فرات شد)  
**رئیس** - به پیشنهاد آقای بهجت رأی گرفته میشود کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شده)

**میرزا یافس** - اظهارات آقای معز الملک صحیح است و چون اینجا آن پیشنهاد بنده محل ندارد یعنی موضوع گرفتن سوار ایلات است باین جهت بنده پیشنهاد خود را پس میگیرم (پیشنهاد عز الملک مجدداً قرائت شده)

**رئیس** - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای حاج عز الملک کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شده)

**وزیر جنگ** - عقیده بنده اینست که این پیشنهاد آقای عز الملک خیلی صحیح است باید نوشته شود و طوایفی که جزء ایلات هستند و معز الملک در این موارد هر چه بگوید بنده تأیید میکنم و صحیح میدانم (پیشنهاد عبارت ذیل از طرف آقای آقا شیخ ابراهیم قرائت شده)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول چنین نوشته شود از کلیه ایلات و طوایف که حرکت گرمسیر و سردسیری دارند دولت بترتیب ذیل سوار خواهد گرفت  
**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - قشون کبری يك روشی لازم دارد و از روی يك مآخذی و منتسب بيك قاعده باید باشد چرا می گوئیم بایستی که سوار از ایلات گرفته شود و سرباز از دهاتی ها بجهت اینکه سوار مناسب با ایلات و دهاتی ها مناسب با پیاده بودن بنده عرض میکنم اگر میخواهیم قانونی وضع کنیم باید در تمام ایلات کلیت داشته باشد ایلات

بعضی ش سابقاً سوار دارند ولی آن بعضی از ده خانوار يك سوار بعضی از پنجاه خانوار يك سوار می دهند و بعضی ایلات سرباز می دهند بعضی دهاتی ها سوار می دهند این مآخذ صحیحی ندارد عقیده من بر اینست که این را توضیح بدهم که در ایلات طوایفی هستند که خانه دارند ولی کن حرکت گرمسیری و سردسیری دارند چنانچه در اطراف ما هستند که در گرمسیر خانه دارند در سردسیر هم خانه دارد از اینجا حرکت می کنند برای مرتع اینها ایلاتند کلیتاً بعقیده من اگر میخواهید از ایلات سوار مین بکنید باید در تحت يك ترتیبی باشد ولو اینکه ایلات باشد و حالاً خاک نشین باشد مثل سایر دهاتی ها از اینها بچه دلیل ما سوار بگیریم بمسأبت اینکه کلیه ایلات و طوایفی که حرکت دارند باین ترتیب سوار بگیرند سرباز بنده هم نیستند سربازشان موقوف شود و در عرض سوار بدهد اگر از ده خانه یکی می دهند مثلاً از سی خانه یکی بدهند یا هیچ نمی دهند بیباید آنها را که ایلاتند و حرکت دارند از يك نفر تا يك حدی بدهند بنده این مآخذ را لازم می دانم ولی در يك جا اینطور باشد و يك جا اینطور نباشد این مآخذ صحیحی ندارد و قانون باید يك ترتیب صحیحی داشته باشد.

**وزیر جنگ** - معلوم میشود آن صحبت های پری شبی را فراموش فرموده اند - بنده عرض میکنم عقیده بنده یعنی در ارتش که در روزی بلکه شورای نظامی داشتیم اینست که باید قشون ایران مثل سایر دولت متمدنه که امروز در کره هستند غیر از يك دولت که تماماً خدمتشان اجباری و عمومی است خدمت قشون ایران هم اجباری باشد یعنی عبارت اجرای کلمه حضرت رسول اکرم ما (ص) که جهاد بر همه کس تعلق می گیرد این همان مطلب است که آنها اتخاذ کردند و مچری نمودند ما هنوز اتخاذ نکردیم و اجرا نکردیم این مسئله مسلماً باید از این بیرون در دماغ هر ایرانی باشد که عموم مردم خدمت سربازی بکنند ولی چون عجله ما احصائیه نداریم و برای اینکار اول شرط شماره نفوس است بنده تصور می کنم که شورای نظامی ما تصور کرد که لاقلاً ده سال دیگر طول دارد که احصائیه ما تمام شود و ما شروع باینکار مقدس بکنیم باینجه علی الحساب خواستیم يك عده سوار از آن ایلاتی که نوکر بدیوان نمیدهند یا اگر میدهند همانطور که فرمودند تعادل ندارد در يك ایل ه خانوار يك سوار میدهند و در يك جا سی خانوار يك سوار میدهند يك جا که دوست خانوار يك سوار می دهد يك جا هست هیچ نمیدهد پس حالا خواستیم يك شروعی کرده باشیم که نتیجه بگیریم یکی اینکه برای سواری که در بودجه نوشته ایم که در سال چهار هزار پنج هزار شهزار سوار لازم داریم آنچه در بودجه نوشته ایم يك محلی پیدا کنیم که یک عده مردمی را بیاریم که آنها بداندند که این خدمت آنها است که باید از عهده بر آیند و شروع کنیم بآن مقصودی که داریم که باید بعد از ده سال شروع کنیم از حالا از دهانشانرا مسبوق کنیم که حتماً افراد این مملکت

عموماً باید برود نو کوی این ملت این مملکت را بکنند این خودش یک نوع شروع است یعنی در یک ایلی که هیچ نوکر دیوانی ندارد و سوار ندارد در آن شروع بگرفتن نوکر و آوردن سوار که کردیم خودش اسباب جلب قلوب آنها میشود و کم کم چون برای آن مقصودی که ما برای آنروز داریم و در حقیقت این یک قانونی است موقتی برای هفت هشت سال و قانون را در هر دوره می توان در مجلس مقدس تغییر داد و بیک طرز دیگری قانون بگذارند عجلاله یک چیز موقتی است وقتی که بنا شد خدمت اجباری باشد باید ملل متنوعه هم داخل باشد مسلماً برای وقتیکه بنا شد از همه جاسرباز بگیریم از ملل متنوعه گرفته نشود تناسب پیدا نمیکند البته از آنها هم باید گرفت آنوقت تمام اینها تناسب پیدا میکند باینکه ما بگوئیم ایلاتیکه سرباز بده هستند این فقط در نقطه آذربایجان است که آذربایجان اغلب ایلات سرباز میدهند و خیلی زیاد میدهند بطوریکه دوست خانوار و سیصد خانوار دوست نفر و شصت نفر و صد نفر تفاوت میدهند و سی سال پنجاه سال است عادت کرده اند که بیایند خدمت دولت را بکنند و ما نباید دست باو بزنیم آنهم موقتاً بماند و موقتاً مجری میکنیم و وقتی خواستیم کلیتاً برای عامه مملکت که بصرمن و آقای آقا شیخ ابراهیم هر دو بیایند خدمت بکنند این عجلاله هم برای اینستکه اذهانشان باینکار نزدیک بشود اینرا هم عرض بکنم که باز آن پیشنهاد آقای معزز الملک را تقاضا میکنم این یکی یکی دیگر هم باید بگویم که ایلات و طوایفیکه ایل محسوب میشوند بنده اعتقاد اینستکه چون در ایلات خانه نشین هم دارند و آنها هم میتوانند در صورتیکه سوار و سرباز دولت ندارند سی نفر خانوار یک نفر سوار بدهند.

**لواءالدوله** - اینجا باز یک اندازه مسئله مشته شده است در خصوص ایل و طوایف هیچ از یکدیگر منفک نشده اند و یکی هستند مثلاً یکی از ایلاتیکه در ایران هستند ایل جلیل قاچارند اینهاش طایفه هفت طایفه ده طایفه دارند ایل بختیاری ایل شامسون آنها هر کدام چند طایفه دارند که جزء ایل هستند که حرکت میکنند ولی ایل جلیل قاچاره در طهران چادر نشین نیستند و حرکت گرمسیری و سردسیری هم ندارند پس باید گفت که از آنها هم نباید یکسواری گرفت برای آنکه آنها هم حرکت نمیکند.

(مجدداً پیشنهاد آقا شیخ ابراهیم قرائت شد.)  
رئیس - کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند (رد شد) (پیشنهادی از طرف آقای میرزا مرتضی قلیخان بمضمون ذیل قرائت شد.)  
بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول نوشته شود - از کلیه ایلات و طوایف که جزو ایلات هستند معسوب شوند.

رئیس - رای می گیریم کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند (با اکثریت قابل توجه گردید.)

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای افتخار - الواعظین قرائت می شود.

**افتخار الواعظین** - بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم.

رئیس - حالا این پیشنهاد را رجوع می کنیم

بکمیسیون مباحثه در این ماده اول کافی است جلسه آتی که روز پنجشنبه است خواهش می شود از آقایان که چهار بنوبه مانده تشریف بیاورند که قدری زودتر جلسه را منعقد بکنیم و دستور همان دستور جلسه امروز یعنی شور در بقیه قانون و آن محاسبات و ماده ۴۹ محاسبات عمومی و راپورت کمیسیون عدلیه راجع بماده العتاقیه قبول و تکوین پروات و بقیه شور در باب سوار ایلات.

(مجلس سه ربع از شب گذشته ختم گردید)

### جلسه ۲۱۱

#### صورت مشروح روز پنجشنبه ۱۶

#### شهر صفر المظفر ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای ممتاز الدوله تشکیل شد.

صورت مجلس روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود.

غائبین جلسه قبل - حاج وکیل الرعا بدون اجازه غائب معین الرعا - مستشار الدوله - آقا میرزا محمد صادق طباطبائی - حاج آقا - سید ابراهیم سردار اسعد بموقع مقرر حاضر نشدند.

**رئیس** - ملاحظه در صورت مجلس است؟

**ادیب التجار** - در جواب سؤال بنده وزیر قول دادند که نتیجه اقدامات خودشان را در باب نان در جلسه آتی که امروز باشد بمجلس اهدا بدارند و در صورت مجلس باید شده است که وزیر فرمودند بعد ما جواب خواهند داد این اشتباه شده است و امروز بحسب وعده منتظر هستیم که وزیر حاضر بشوند و اقدامات خودشان را بمجلس اظهار نمایند.

**دکتر علیخان** - در نظارنامه داخلی هیچ قید

نشده است که در خلاصه صورت مجلس در خصوص سئوالات آنچه وکیل میگوید و وزیر جواب میدهد عیناً نوشته شود و این علاوه بر اینکه قانونی نیست بمعینه بنده غیر از تلف کردن وقت مجلس نتیجه دیگری نخواهد داشت و اگر باین ترتیب بخواهیم رفتار بکنیم آنوقت در باب بک صورت استیضاح باید ده صفحه صورت مجلس نوشت و گمان می کنم که این یک خلاف نظارنامه است که معمول شده است و جز تلف کردن وقت نتیجه دیگری ندارد خوب است از این بعد این ترتیب را معمول بدارند

**معاضد الملک** - اینکه آقای دکتر علی-

خان فرمودند در باب سئوالات مکرر اظهار شده است و بنده هم مکرراً جواب عرض کرده ام آنچه را که وکیل سؤال می کند سندیت ندارد زیرا = سؤال میکند از وزیر که چنین اتفاقی افتاده است یا خیر لکن جواب وزیر سند است از برای آن وکیل و در موقتی که صورت مجلس خوانده میشود باید جواب وزیر را بشنود و به بیند مطابق است با آنچه وزیر جواب داده است یا مطابق نیست از این جهت است که جواب وزیر مشروحاً نوشته میشود و اگر خوب دقت بفرمائید خواهید دید که هیچ ممکن نیست که بنده جواب وزیر را خلاصه بکنم مثلاً جواب وزیر امور خارجه را بنده چطور بنویسم یا اینکه جناب عالی اگر بجای بنده باشید چطور مینویسید جز این که مشروحاً بنویسند چاره ندارد برای اینکه

اگر بخواهید باختصار بنویسید هر طور که باشد محل اشکال خواهد شد.

**رئیس** - حالا در این مسئله داخل مذاکره نمیشویم برای اینکه یک مطلبی است قانونی جنبه مالی از نقطه نظر خودتان میفرمائید نباید عیان نوشته شود دیگر آن از نقطه نظر خودشان میگویند خیر عین سؤال و جواب باید در صورت مجلس نوشته شود این مسئله است اساسی و قانونی که باید مطرح مذاکره شود و هر طوریکه حل شد آنطور عمل بشود اما آقای ادیب التجار که فرمودند منتظریم - حضرات وزرای عظام امروز بحسب وعده که کرده اند تشریف بیاورند و در باب نان جواب بگویند بموجب شرحی که حالا تلفن کرده اند خواهش کرده اند که این مسئله بماند بروز شنبه و اظهار کرده اند که فعلاً مشغول اقدامات و انجام این امر هستیم و روز شنبه جواب خواهیم داد - پیرروز دستخط والا حضرت آقای نایب السلطنه آنجا با اطلاع آقایان نمایندگان رسید و فرار شده بود که جوابی بایشان عرض بشود حالا جوابی بایشان عرض شده خوانده میشود که اگر تصدیق فرمائید حضور مبارک ایشان ابلاغ شود (جواب مزبور را آقای میرزا ابراهیم خان بعبارت ذیل قرائت نمود) مقام منبع نیابت سلطنت عظمی دامت عظمة.

دستخط مبارک والا حضرت اقدس متضمن سه مسئله مهمه زیارت و در جلسه ۱۴ شهر حال مجلس شورای ملی قرائت و در جلسه ۱۶ کسب عقیده در عرض جواب گردید در باب عریضه تلگرافی تجار و اهالی تبریز راجع بواقعه ناگوار مرحوم صنایع الدوله و مخاطرات ظهور تروریست و انارشیمی و لزوم رفع مواد فساد و جلوگیری آن هر چه زودتر نظریات مجلس کاملاً بانظر مبارک موافق بوده و بآرزو مندی موفقیت هیئت وزراء و انتظار اقدامات سریمه از جانب ایشان از هیچ گونه تأییدات معنوی که از جانب نمایندگان در خور سزاوار باشد فرو گذار نخواهد شد.

در مسئله احوال کنونی مملکت و مضاری که از تأخیر در اقدامات لازمه تصور میشود انتظار چنانست آنچه که بنظر اولیای امور میرسد زود تر موافق صلاح ملک و ملت بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود که موقع از دست نرفته ضرری متوجه نگرردد.

اما در باب فتور هیئت وزراء و استعفای رئیس الوزراء بعد از ورود و کسب مسعود مجلس منتظر است از جانب والا حضرت اقدس دامت عظمة توجه مخصوص بمذول گردیده بفریاد تکلیف معین و رئیس الوزراء اعضای کابینه را بمجلس شورای ملی معرفی نمایند.

**آقای میرزا احمد** - از جمله مطالبی که آقای نایب السلطنه فرموده بودند و در خارج هم بنده فهمیدم منوط بود تشکیل کابینه معین شدن یک اکثریت ثابتی در مجلس و از قراری که بنده فهمیده ام بحمد الله آن اکثریت ثابت هم معین شده است پیشنهاد هم میکنند در این صورت بنده متوقع هستم که همچنانکه آقای نایب السلطنه میخواهند باسم آن اکثریت ثابت را بدانند که که هستند و چه هستند اسامی آنها نوشته شود تا من بعد وقتی که اتفاق می افتد از حیث اینکه اکثریت مسئول است ملت هم آنها را بشناسند که این اکثریت ثابت کبیا هستند.

**رئیس** - اینکه حضرت عالی میفرمائید که در اینجا داشته شود در دستخطهای مبارکشان که همچو